



# روی ترمز قناعت

داشتن کسب و کار و تولید کردن و چیزهایی مثل این، یک هدف را برای بچه‌های هنرستانی پررنگ می‌کند؛ آن هم به‌دست آوردن پول است. یعنی جدای از اینکه خود کار کردن چقدر با ارزش است، تولید کردن چقدر کار درستی است و هر دو چقدر منافع کشور را تأمین می‌کنند. کار کردن و کسب رزق و روزی از هم جدا نیستند و نمی‌شود این را نادیده گرفت که به‌دست آوردن درآمد برای گذران زندگی و تأمین خانواده خیلی مسئله مهمی است. از آن بالاتر، حتی در دین هم بسیار توصیه شده و کار پسندیده‌ای شمرده شده است. اما سؤال اینجاست که آخرش چقدر است؟ یعنی تا کجا و چقدر می‌توانم پول در بیاورم؟ در مرام و مسلک ایرانی و اسلامی ما برای این مورد چیزی هم گفته شده است؟

همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، تولیدکننده و کاسب ایرانی مسلمان اصولی دارد که همه جای زندگی‌اش باید مشخص باشد؛ حتی در کار کردن و پول در آوردنش. قبلاً در بیان یک مورد از این اصول گفتیم که تولید باید پاک و پاکیزه باشد. اما حالا می‌خواهیم یک چیز دیگر را با هم مرور کنیم و آن هم عبارت است از اینکه شما حواستان را جمع کنید این کسب و کار و تولید و درآمد حاصل از آن برای رفع نیازهای واقعی‌تان باشد. یعنی چه؟

بگذارید کمی برگردیم عقب‌تر. خداوند در آیه ۱۷۳ سوره بقره به ما مسلمان‌ها یک صفتی اختصاص می‌دهد و این صفت را خیلی می‌پسندد. و آن هم میانه‌روی است (لتکونوا امة وسطا). ما به‌عنوان مسلمان باید اعتدال و میانه‌روی را در همه امور زندگی‌مان سرلوحه قرار بدهیم و افراط و تفریط نکنیم. حالا برگردیم سر بحث خودمان.

ما برای امور و گذران زندگی‌مان که از راه تولید کردن و کسب و کار می‌خواهیم تأمینش کنیم، نه باید از این طرف بام بیفتیم و هیچ کاری نکنیم و فقیر باشیم، و نه از آن طرف بام که هیچ چیزی راضی‌مان نکند و مدام حرص پول درآوردن را بزنیم. هر آدمی نیازهایی دارد که باید تأمین شوند. از طرف دیگر، خواسته‌هایی هم دارد. خواسته‌ها می‌توانند کاذب باشند. محدودیت هم که ندارند و برای همین می‌توانند واقعی هم نباشند. اما نیازهای آدم که واقعی‌ترند و محدود هم هستند، به نظر می‌آید مبنای بهتری باشند برای ما که برایشان تلاش کنیم و درآمد به دست بیاوریم تا تأمین شوند؛ هم نیازهای مادی و هم معنوی.

پس نکته مهم در این مرام و مسلک تولیدکننده مسلمان





ایرانی این است که به اندازه رفع نیازهایش بخواند. این طوری آرامش بیشتری هم در زندگی دارد. اینکه در حد رفع نیازهایت بخوای، معنی اش می شود کلمه‌ای که احتمالاً زیاد شنیده‌اید: «قناعت». این مفهوم در مقابل «طمع و زیاده‌خواهی» قرار دارد. مثلی بین بزرگ‌ترهای ما وجود داشت که می‌گفتند «قناعت گنج بی‌انتهاست». بعضی‌ها را دیده‌اید که همیشه برای کسب درآمد بیشتر حرص می‌زنند و هیچ قدری راضی‌شان نمی‌کند؟ این‌ها رنگ آرامش را نمی‌بینند، چون خواسته‌های آدم که تمامی ندارد. هر چقدر به دست بیاورد و هر چیزی هم که برای خودش بخرد، باز بهتر و بیشتر از آن را دلش می‌خواهد. این بازی انتها ندارد.

سؤال: این یعنی پول بیشتر در نیابیم؟ نه! در بیاورید. خیلی هم خوب است؛ هم برای خودتان و هم برای کشور ثروت حساب می‌شود. خب پس کجا از آن استفاده کنیم؟ وقتی آدم‌ها در حد رفع نیازشان بخوانند و روحیه قناعت داشته باشند، مسیری باز می‌شود که می‌توانند اضافه درآمدشان را برای انفاق و کمک به دیگران استفاده کنند که حالا بحثش مفصل و جداست. بسیاری از کاسب‌های قدیمی در کشور خوب ما بخشی از دخلشان را برای کمک به خلق خدا انفاق می‌کردند. این نیازهای مادی یک طرف، نیازهای معنوی آدم هم بسیار مهم هستند که آن‌ها هم باید تأمین شوند. یعنی تولید و کسب و کار شما علاوه بر اینکه باید نیازهای مادی را تأمین کند، باید

نیازهای معنوی‌تان را هم تأمین و بلکه تقویت کند. در قرآن کریم و در ضمن آیاتی که انسان را به رفتار تولیدی ترغیب می‌کنند، هم‌زمان به رعایت صفاتی مثل تقوا، شکر نعمت‌های خداوند، به یاد قیامت‌بودن، همراه‌بودن رفتار تولیدی با انفاق در راه خدا راهنمایی می‌کنند که همگی از جنس تأمین و تقویت نیازهای معنوی هستند. می‌خواهید برایتان مثال بزنم که تولیدکردن چطور باید در جهت تأمین نیازهای معنوی باشد و با آن‌ها در تضاد نباشد؟ مثلاً در تولید خانه و ساخت مسکن. وقتی درباره سبک‌های معماری و طراحی محیط شهری مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید هر کدام از آن‌ها ویژگی‌های خاص و اثرات خاص خودش را دارد که داشتن زندگی مؤمنانه و متناسب با مرام و مسلک ایرانی و اسلامی ما با بعضی از آن‌ها جور در می‌آید. مثلاً معماران اسلامی ایرانی در ساخت خانه‌ها حریم خصوصی را از حریم عمومی جدا می‌کردند. سعی می‌کردند صداها در اتاق‌ها به گونه‌ای باشند که به بیرون نیابند و آرامش اهل خانه تأمین شود. استفاده درست از طبیعت و آسیب‌زدن به آن و استفاده حداکثری از نور در خانه، خنک کردن در تابستان و گرم کردن در زمستان، همه با الهام از دستورات دینی انجام می‌شدند تا در نهایت حتی خانه هم نشان‌دهنده مرام و مسلک یک ایرانی مسلمان مؤمن باشد و نیازهای مادی و معنوی را با هم تأمین کند. جواب سؤال اول را گرفتید. رفع و تأمین نیازهای مادی و معنوی. نیازهای واقعی و داشتن روحیه قناعت.

سؤال: این یعنی پول بیشتر در نیابیم؟ نه! در بیاورید. خیلی هم خوب است؛ هم برای خودتان و هم برای کشور ثروت حساب می‌شود. خب پس کجا از آن استفاده کنیم؟

وقتی آدم‌ها در حد رفع نیازشان بخوانند و روحیه قناعت داشته باشند، مسیری باز می‌شود که می‌توانند اضافه درآمدشان را برای انفاق و کمک به دیگران استفاده کنند که حالا بحثش مفصل و جداست. بسیاری از کاسب‌های قدیمی در کشور خوب ما بخشی از دخلشان را برای کمک به خلق خدا انفاق می‌کردند. این نیازهای مادی یک طرف، نیازهای معنوی آدم هم بسیار مهم هستند که آن‌ها هم باید تأمین شوند. یعنی تولید و کسب و کار شما علاوه بر اینکه باید نیازهای مادی را تأمین کند، باید